

بیا تادر گوشت از فوتبال بگویم

اگر نشستته ای که من برایت از فوتبال ایران بگویم، پس بیا تادر گوشت بازخوانی کنیم آنچه در هفته ای که گذشت برای فوتبال ایران اهمیت داشت. این سطرها روایتگر فوتبالی هستند که به حال خود رها کرده ایم.



نخست: در هفته که گذشت علیرضا جهانبخش آقای گل فوتبال هلند شد. نخستین بار است که مهاجمی از آسیا آقای گل یک لیگ معتبر و درجه یک می شود و این موضوع نه فقط برای فوتبال ایران که برای فوتبال آسیا افتخاری بزرگ است. این عنوان بزرگ و ارزشمند و پیامد بعدی اش یعنی انتقال قریب الوقوع به تیم ناپولی، حاصل گذشتن این بازیکن از پول هایی است که در لیگ ایران دریافت می کرد. جهانبخش از داماش به اروپا و لیگ هلند رفت، و سوسه پول تیم های صنعتی یا هواداران تیم های سرخابی نشد و دل کند و موفق شد. فوتبال ایران هرگز نمی توانست جهانبخش را به چنین مرتبه ای برساند که حالا شاهدش هستیم. در روزهایی که نگرانی های بیش از حد پیرامون همگروهی با تیم های بزرگ حاضر در جام جهانی داریم، آقای گلی جهانبخش برای ما دلگرم کننده است. از کریم انصاری فرد و درخشش در لیگ یونان نگذریم که برای آقای گلی این لیگ تلاش کرد و در روزهای آخر متوقف شد. او نیز کاری کمتر از جهانبخش انجام نداده و باید به تلاش هایش احترام گذاشت. برای من کریم انصاری فرد همچنان همان مهاجم ۱۶ ساله ذوب آهن اردبیل است که هفته ای یکبار در تیم منتخب هفته لیگ دسته دوم ابرار ورزشی قرارش می دادم. کریم در آستانه انتقال به بوندس لیگاست و این موضوع ارزش کارش را دوچندان می کند.



دوم: در هفته ای که گذشت تیم فوتسال بانوان کشورمان به مسابقات فینال قاره راه یافت و باشکست ژاپن قهرمان شد. با وضعی که فوتسال و فوتبال بانوان در کشور ما دارد، رسیدن آنها به فینال خودش قهرمانی است. تصحیح کنیم. با وضعی که فوتبال و فوتسال در کشور ما دارد، اصلا همین که می توانند پایه توپ بزنند و مقابل حریفان نتیجه بگیرند معجزه است احتمالاً! حیف از این همه استعداد که قدر نمی دانیم و تحویل نمی گیریم و آنگونه که باید حامی شان نیستیم.



سوم: مراسم رونمایی از لباس تیم ملی برگزار گردید و در این مراسم از کت و شلوار ملی پوشان رونمایی شد! لباس تیم ملی ما که از انباری آدیداس می آید را مقابل ازبکستان باید ببینیم! شاهکاری بود این لباس! هم می خواهیم با بهترین برندها قرارداد داشته باشیم، هم می خواهیم پولی برای این

قرارداد ندهیم، هم می خواهیم از جنس حاضر و آماده استفاده کنیم و در نتیجه طرح یوز از روی لباس مان می رود و هم اینکه قید چند میلیون دلار نقد را زده ایم و دلخوش کرده ایم به سود احتمالی نسیم. به زبان ساده تر هم شلاق را خورده ایم هم پیاز را و هم پولی از کفمان رفته. نمی دانم آقای تاج در کار معاملات آهن هم که بود اینطوری معامله می کرد؟

چهارم: در جریان بازی ذوب آهن و استقلال در لیگ قهرمانان، داریوش شجاعیان رباط پاره کرد و



امید ابراهیمی هم مصدوم شد. علاوه بر اینکه از این مصدومیت ها تیم ملی آسیب دید، امیر قلعه نویی هم در فضای مجازی به این متهم شد که به بازیکنانش دستور داده که بازیکنان استقلال را بزنند! این یکی اش دیگر نوبر بود و مشخص است که یا مردم ما زیادی بیکارند و خیلی فیلم های پلیسی و مافیایی می بینند یا اینکه در مورد امیر قلعه نویی زیادی اغراق شده! اگر چنین اتهامی در ایتالیا یا آلمان علیه یک تیم و مربی مطرح می شد، اتهام زندگان در دادگاه مجبور به اثبات اتهام خود می شدند. اینجا البته از این خبرها نیست و شما تاجایی که پایتان روی دم آدم اشتباهی نرود، مجازید هر چقدر دلتان خواست به هر آدمی دلتان خواست بد و بیراه بگویید.

پنجم: با برگزاری دو بازی برگشت لیگ قهرمانان فوتبال آسیا، استقلال و ذوب آهن و پرسپولیس فارغ از نتیجه ای که کسب می کنند به تعطیلات می روند و تیم ملی با نفرت داخلی خود در اردو شرکت می کند. مسابقات باشگاهی در اروپا هم یا تمام شده یا در آخرین مراحل است و به زودی لژیونرها هم در این اردوها شرکت خواهند کرد. کار اصلی کارلوس کی روش از این زمان آغاز می شود. از وقتی که نفرتش را در اختیار داشته باشد. او البته مثل همیشه دست بالا را می خواهد و خواهد گفت که نفرتش دیر به اردو ملحق شدند و ایران برای جام جهانی ارزشی قائل نیست و لاطناتی از همین دست. حقیقت اما در این است که کارلوس کی روش نان بی ادبی خودش را می خورد. نزدیک هفت سال است در ایران حضور دارد و هنوز لب به تحسین تیم های باشگاهی و مربیان ایرانی نگشاده و غیر از طعنه و اخلاص در کار کردشان کار دیگری انجام نداده. انتظار اینکه مربیان ایرانی گوش به فرمان او باشند و نفرت باشگاهی را در اختیارش قرار بدهند اصلا ممکن نیست. شفر که خود در این وضع بوده و با او رفیق است به وی یار ندارد. برانکو چه انتظاری دارد؟ کی روش بی ادبانه سخن می گوید و انتظارات استعمارگرانه دارد. مستتر جان حتی اگر مودبانه هم یار می خواستی کسی آنها را به تونمی داد چه برسد با این لحن تند و توقعات پایان ناپذیرت.

ششم: فوتبال باشگاهی در ایران به کدام سمت می رود؟ کسی برای این سوال پاسخ درستی ندارد اما به نظر می رسد که فوتبال باشگاهی در ایران به سمت خاصی نمی رود بلکه همچنان مشغول به در جازدن است. اگر شک دارید ۱۶ مدیر لیگ برتری و ۱۸ مدیر از لیگ دسته اول را جمع کنید و از آنها پرسید که در فصلی که گذشت چقدر از بدهی های فصول گذشته را پرداخت کردند، چقدر در پیش برد فیزیکی و تاسیساتی باشگاه خود موفق عمل کردند، در چند شهر و کشور دیگر به استعدادیابی پرداختند، چقدر برای تاسیس یا تشکیل تیم های دوم و سوم کوشیدند، یا چند باشگاه در دسته های پایین تر قرارداد های تبادل بازیکن و مربی بستند، چقدر در کاستن میانگین سنی تیم خود موفق عمل کردند، چقدر از پرونده های خود در فیفا یا کمیته انضباطی را بستند، چقدر به سند چشم انداز باشگاه خود نزدیک تر شدند، چقدر در رسیدن به اهداف تعیین شده ابتدای فصل موفق عمل کردند و سوالاتی از این دست. ببینید چقدر از این مدیران عزیز باشگاهی به این پرسش ها پاسخ خواهند داد. پاسخشان شنیدنی خواهد بود.

هم می خواهیم از جنس حاضر و آماده استفاده کنیم و در نتیجه طرح یوز از روی لباس مان می رود و هم اینکه قید چند میلیون دلار نقد را زده ایم و دلخوش کرده ایم به سود احتمالی نسیم. به زبان ساده تر هم شلاق را خورده ایم هم پیاز را و هم پولی از کفمان رفته. نمی دانم آقای تاج در کار معاملات آهن هم که بود اینطوری معامله می کرد؟